

خدا

ایکه در حج بدنبال خدا اید
خدا در یک کعب جاگیر نباشد
خدا پیدا تنها وقت نماز نیست
خدا نزدیکتر است ، زانکه تو دانی
خداوند در دل عشاق نهان است
خدا در سینه های مادران است
خدا را معجزه در سُرنهفته ست
عربی نیست تنها آنچه که داند
خدا در پشت آن طفل گرسنه ست
خداوند است همان شخص را بدستان
خدا در موتر آن شخص نمایان
خداوند در هواست بیشک نهانی
خدا در دانه های صاف باران
خدا آن بنده را در بازوان است
خداتها به ملک های اعراب نیست

در همین باره سخت در اشتباه اید
تنها حج کرده را دستگیر نباشد
به حاضر بودن و غیبت نیاز نیست
که از این قربتش حیران تو مانی
خداوند در کلام شاعران است
عیان در خنده های کودکان است
نقش در دیده جانانه بسته ست
به هر حرف و لسان پندار که داند
که قصد دزدی نانی گرفته ست
که کوری را برد آنسوی خیابان
که مادر را برد بر قصد درمان
که شرط زنده گیست و زنده گانی
فرود آید رحمت گونه فراوان
که او معیوبی را خادم ز جان است
حدودهست و بودش را حساب نیست

خدا نزدیکتر است زانکه تو دانی